

علیه تروریسم اسلامی، علیه فاشیسم!

در دفاع از آزادی بیان، برابری و رفع تبعیض!

تروریسم و "مقدسات"

صفحه ۴

رحمان حسین زاده

هفت تپه!

سیاست ایجاد بحران و اخراج فعالین کارگری!

مردم نیازمند صدقه نیستند،

تامین معیشت و سلامت شهروندان وظیفه دولت است!

صفحه ۶

ملکه عزتی

یک سال از خیزش انقلابی آبانماه گذشت

صفحه ۸

سعید یگانه

انتخابات آمریکا و امیدهای جمهوری اسلامی

صفحه ۹

نادر شریفی

رژیم اسلامی اصلاح ناپذیر است

زنده باد انقلاب کارگری

صفحه ۱۱

سعید آرمان

کارگران بازداشتی هفت تپه آزاد شدند!

"به همکاران در سنگر بگوئید: "کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد!"

۵۶۸

مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۶ آبان ۱۳۹۹ - ۶ نوامبر ۲۰۲۰

حمله نظامی سپاه به کرونا!؟

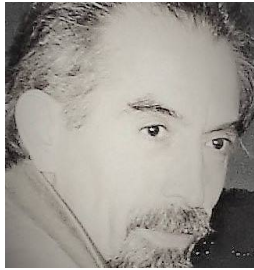
جامعه ایران درگیر دو واقعیت هولناک است: اول وضعیت معیشتی وخیم و فقر و فلاکت و گرانی، و دوم پاندمی کرونا که به شکل وحشتناکی بویژه از مردم کارگر و محرومان قربانی می گیرد. تا امروز جمعه شانزدهم آبان بجز استان‌های هرمزگان، فارس، گلستان و سیستان و بلوچستان که در وضعیت نارنجی و زرد قرار دارند، بقیه استان‌های کشور در وضعیت قرمز قرار دارند. وضعیت در برخی از شهرها و استان‌های قرمز به روایت برخی از مقامات بهداشتی "غیر قابل کنترل" است و تداوم این وضعیت در ماه آذر میتواند به "سونامی کرونا" بدل شود. این در شرایطی است که اکثریت عظیمی بدلیل موقعیت پائین اقتصادی به دارو و درمان و بهداشت مناسب دسترسی ندارند. حکومت اسلامی که مسبب این سطح از تلفات انسانی و مسئول مستقیم تشدید اشاعه بیماری کرونا است، از سونی وحشت کرده و از سوی دیگر، سوار بر موج کرونا از اعلام حکومت نظامی سخن می گوید. آنچه سپاه تحت هدایت و فرمان خامنه ای به بهانه "مقابله با کرونا" انجام میدهد، تنها میتواند توجیهی برای نظامی کردن رسمی اوضاع باشد.

موج جدید کرونا فی الحال یک واقعیت وحشتناک و تلخ در ابعاد عظیم است. دولت و قدرت فائقه در قبال آن مسئول است. پول و قدرت و امکانات در دست آنهاست. موظفند که بیدرنگ شهرها و مناطق

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حمله نظامی سپاه به کرونا؟! ...



که بانی آن همین حکومت و از جمله سپاه است، قرار است ادای "ناجی" را در بیاورند.

ادعای اینکه سپاه علیه فقر و گرانی و کرونا بمیدان آمده زیادی مسخره است. قبول اینکه خامنه ای حتی از ترس شورش مردم دستور داده که امکانات دولت و ارتش و سپاه برای رفع نیازهای معیشتی و مقابله با بیماری

صرف شود، زیادی ساده لوحانه است. سالروز اعتراضات آبان و دی است، حکومت می خواهد با علم به شرایط عمومی فقر و بیماری و پتانسیل اعتراضی موجود، وضعیت را کنترل کند. راهی جز لشکرکشی و تشدید سرکوب ندارند. در عین حال جرات ندارند همین را بگویند. حتی برای تقابل با یک تجمع اعتراضی ساده کارگری در هفت تپه، شبانه روز یگان ویژه و پلیس ضد شورش در کارخانه مستقر کردند. حتما سپاه و بسیج مقداری اقدام نمایشی در دستور می گذارند تا چهره "ناجی" از نقش سپاه در اقدامات "ستاده ملی مبارزه با کرونا" بسازند. اما به بعد از کرونا و البته از سر گذراندن سالروز آبان و دی نظر دارند. امری که به احتمال زیاد دستکم تا بهمن ماه و مناسکهای حکومتی ادامه خواهد یافت. مقابله با کرونا "حمله نظامی" و "حکومت نظامی" نمیخواهد، دارو و دکتر و بیمارستان و امکانات رفاهی و بهداشتی نیاز دارد. سپاه و حکومت هدف دیگری دنبال می کنند.

جمهوری اسلامی در متن تناقضات خویش برای بقا با استفاده از موقعیت موج سوم کرونا، عملاً سپاه و بسیج و قوانین حکومت نظامی را همه جا مستقر میکند. چنین اقدامی در شرایط عادی حتی در صفوف خود حکومت میتواند یک "کودتای نظامی" تلقی شود، اما پاندمی کرونا توجیه حضور نظامیان برای "حمله خانه به خانه" در محلات شده است. امکان تنش و اعتراض به واحدهای سپاه و بسیج در روزهای آتی کم نیست. اینها اگر قرار بود کمکی هرچند جزئی به مردم محروم و درگیر فقر و بیماری بکنند، وسائل بهداشتی و دارو و کالاها را احتکار نمی کردند و هر روز به مردم محروم حمله ور نمی شدند. هدف اینها بقای حکومت و تقویت موقعیت خودشان است. آیا جامعه چنین امکانی به حکومت میدهد که نسخه بیشتر نظامی و کمتر آخوندی را در جنگ بقا بجلو براند؟ آیا این مقدمات یک تغییر در بالای حکومت و تغییر آرایش حکومتی است؟ آیا بعد از کرونا دست و پایشان را جمع می کنند یا حضور نظامیان به شکل کمابیش جدید بقای حکومت بدل می شود؟ اینها در تحولات پرشتاب سیاست ایران سوالات بازی هستند و موفقیت و عدم موفقیت آنها رابطه مستقیمی با واکنش جامعه و جنبشهای سیاسی و طبقاتی دارد. اما تردید نباید داشت که قانون بقای حکومت و محدودیتهای رژیم اسلامی، رفتن به سمت قدرت نظامیان و اعمال حکومت نظامی را الزامی کرده است. کرونا صرفاً موقعیت مساعدی برای ایجاد دوفاکتوی آن با مهر و امضای خامنه ای فراهم کرده است.

سردبیر.

۶ نوامبر ۲۰۲۰

بحرانی را قرنطینه کنند و تامین نیازهای اقتصادی، بهداشتی و درمانی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تضمین کنند. حکومت تاکنون کمترین جوابی به این نیازها نداده و جامعه را بحال خود در چنگال مثنی محترک و سوجدوی حکومتی رها کرده تا روی درد و رنج و مرگ مردم مال اندوزی کنند. اما اعمال این سیاست دامنه ای دارد و آنرا بطور ارادی نمیتوان ادامه داد، چون عواقب شدید اجتماعی دارد. واقعیت تلخ و زشت دیگر، اسارت اکثریت جامعه در چنگال خونین فقر و فلاکت، بیماری و بیکاری، سرکوب و استبداد است. این مردم همان آبانهای ما هستند که سال قبل علیه حکومت فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری خروشان شدند و قهرمانی های فردی و جمعی آفریدند. سرکوب خونین آبانماه و بعد پاندمی کرونا و محدودیتهای ناشی از آن، تنها وقفه ای در برآمدهای جدید توده ای و کارگری در مقیاس وسیعتر ایجاد کرده است اما دینامیزم آن قویا پابرجاست. حال جمهوری اسلامی با این تناقض روبرو است که نمیخواهد مسئولیت نیازهای جامعه را بعهده بگیرد و نمی تواند وضعیت را به حال خود رها کند. بویژه در سالروز خیزش آبان و وحشت از تکرار اعتراضات، از ماههای قبل طرح استقرار و گشت نیروی نظامی در محلات را جلو کشید. اکنون به بهانه کرونا و مقابله با آن از حمله نظامی خانه به خانه و نوعی حکومت نظامی سخن میگوید.

سلامی فرمانده سپاه از طرح "حمله به نقاط کرونا" توسط ۵۴۰۰۰ پایگاه بسیج محلات رونمایی کرد که از روز ۲۰ آبان آغاز خواهد شد. این اقدام بدنبال دستور خامنه ای برای ایجاد قرارگاههای عملیاتی برای اجرای تصمیمات "ستاد ملی مبارزه با کرونا" صورت گرفته است. شهرهای بالای جمعیت دویست هزار نفر در اولویت قرار گرفته اند. خود این عدد و مسئله کنترل جامعه در زمان اعتراضات سرخی بدست میدهد. تعطیلی موقت یک هفته ای و دو هفته ای برخی شهرها، نوبتی شدن کارهای اداری، آنلاین شدن آموزش که درجا حدود چهار میلیون دانش آموز روستائی و مناطق محروم را بدلیل عدم دسترسی به امکانات آموزش آنلاین از درس خواندن محروم کرده است، اعمال جریمه برای عدم استفاده از ماسک، اینکه "دولت باید بسته های حمایتی هم در نظر بگیرد"، از نکات دیگر تصمیمات ستاد است. اما محور اصلی در این طرح سپاه و نیروهای نظامی هستند. قرار است ۵۴۰۰۰ پایگاه بسیج محلات به "پایگاه حافظان سلامت" متحول شوند، خانه به خانه دنبال مبتلایان بگردند و آنها را به بیمارستانهای سپاه و ارتش منتقل کنند. معلوم نیست این بیمارستانهای مجهز و امکاناتی که سپاهیان و نظامیان ادعا می کنند از آن برخوردارند، چرا طی اینمدت در اختیار بیماران نبوده و حالا واحد بسیج محله با چه دانش و امکاناتی قراره به خانه های مردم برای پیدا کردن کرونا حمله نظامی کنند؟ مردم با شناختی که از این جنایتکاران دارند، چطور باید اطمینان حاصل کنند که به بهانه کرونا به دستگیری و ربودن مخالفین سیاسی رو نمی آورند؟ این روزها سپاه مرتباً از تشکیل قرارگاه های جدید برای حل مشکلات مردم میکند. قرارگاه های "مقابله با گرانی" را نیز تاسیس کرده اند. یعنی در دو مسئله اصلی جامعه؛ سلامت و معیشت،

مرگ بر جمهوری اسلامی!

علیه تروریسم اسلامی، علیه فاشیسم!

در دفاع از آزادی بیان، برابری و رفع تبعیض!

موج جدیدی از عملیات تروریستی اسلامی و قتل فجیع شهروندان بیدفاع آغاز شده است. امروز حوالی ساعت هشت شب دوشنبه ۱۲ آبان در وین اتریش، تیراندازی به مردم عادی در اطراف یک کنیسه حوالی میدان "شودن پلاتز" چند نفر زخمی و به روایت برخی روزنامه ها که تاکنون توسط پلیس تایید نشده، هفت کشته برجای گذاشته است. امروز صبح دوشنبه در جریان یک حمله مسلحانه به دانشگاه کابل، حداقل ۱۹ نفر کشته و ۲۲ نفر زخمی شده‌اند. در دو هفته گذشته فرانسه با عملیات تروریستی روبرو بود. پس از قتل فجیع ساموئل پتی در پاریس، کلیسایی در شهر نیس مورد تهاجم با چاقو قرار گرفت که طی آن سه نفر به قتل رسیدند و یک زن سالمند سر بریده شد. شنبه ۳۱ اکتبر، شهر کبک کانادا با رویداد مشابهی در حاشیه مراسم هالووین روبرو شد که بنا به اظهارات پلیس، فردی ملبس به لباس قرون وسطایی با شمشیر به شهروندان حمله کرده است. در دوره های قبل بمبگذاری در اتوبوس و قطار و دیسکو و مرکز خرید، کامیون برای زیر گرفتن مردم و حمله مسلحانه استفاده میشد. اینبار حمله با شمشیر و چاقو و روش ارباب برانگیز سربریدن انتخاب شده است!

ظاهراً آغاز ایندور از حملات تروریسم اسلامی بعد از نشان دادن چند کاریکاتور محمد منتشره در نشریه شارلی هیدو توسط ساموئل پتی در کلاس درس آزادی بیان و دفاع نیم بند امانوئل مکرون از "ارزشهای فرانسوی" و آزادی بیان صورت میگیرد. به مجموعه عملیتهای فوق در کانادا و اروپا باید واکنش دولتهای ترکیه، جمهوری اسلامی، پاکستان، بنگلادش، یمن، مراکش و برگزاری تظاهرات را اضافه کرد. به توجیحات این ترور و توحش دقت کنیم؛ می گویند این اقدام "احساسات مردم مسلمان را جریحه دار" کرده است! میگویند انتشار عکسهای محمد "توهین به مقدسات اسلامی" است! می گویند از حق آزادی بیان استفاده نکنید و خود را بخاطر جریحه دار نشدن بغل دستی آگاهانه محدود کنید! همزمان مواضع حکومتها و جریانات راست فاشیست مسئله را پیچیده تر کرده است. این یک جدال سیاسی دیرپاتر میان جنبشهای ارتجاعی برسر دامنه قدرت سیاسی و اعمال محدودیت به آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی است. جنبش اسلامی با بحث "ممنوعیت توهین به مقدسات" برای آزادی بیان حدود و ثغور و "مقدسات" می تراشد و تلاش دارد آنها را به قوانین و نرمهای جوامع غربی تحمیل کند. نقطه مقابل این اهداف، سیاست جریانات اولترا راست و فاشیستی است که تقابل با جریانات تروریستی اسلامی را به ضدیت با مهاجرین بطور کلی و مردم منتسب به مسلمان بطور اخص ارتقا داده اند. یک بخش از کلیسا نیز یاد دوران "جنگ صلیبی" افتاده و سیاستی تندتر از فاشیستها را علیه مسلمانان توصیه میکند. جنبش اسلامی و فاشیسم به همدیگر پلاتفرم میدهند.

سیاست دولتهای اروپائی و کانادا با توجیه "جامعه چند فرهنگی"، "مولتی کالچرالیسم" و "آزادی مذهب" به بخشی از جنبش اسلامی که آنها را "میانه رو" می نامند، امکانات میدهند تا مدرسه مذهبی و مسجد

و مرکز اسلامی راه بیاندازند و قوانین شریعه و زن ستیزی و کودک آزاری را تحت "فرهنگ خودشان" سازمان دهند. این سیاستها عملاً در حاشیه شهرهای بزرگ اروپائی به کامیونتی ها و جوامع اسلامی شکل داده است که در آن امامان جمعه و شیوخ بعنوان "نمایندگان مردم مسلمان" سلطنت می کنند. کار این طیف اینست که بعد از هر عملیات تروریستی از "اسلام رحمانی" و "اسلام بعنوان دین دوستی" سخن بگویند و اسلام را از زیر ضرب انتقاد اجتماعی و سکولاریسم و سوسیالیسم بیرون ببرند. در کنار این بخش از اسلاميون همواره با دانشگاهی ها و جریانات شبه چپی روبرو هستیم که همان سیاستها و اهداف اسلامی را با فرمولهای روشنفکرانه توجیه می کنند؛ "اسلاموفوبی" و "اسلام هراسی" و "آزادی مذهب" توجیه ممنوعیت نقد اسلام، محدود کردن آزادی بیان و "مقابل با راسیسم" تلقی میشود. با فرمول راسیستی اسلاموفوبی چهارچوب اجتماعی مبتنی بر آپارتاید سیاسی و فرهنگی را موعظه می کنند و به جنبش اسلامی نیرو می دهند.

دولتهای غربی خود سازندگان جنبش و نیروهای اسلامی اند و هنوز به آنها در کش و قوس جنگ قدرت احتیاج دارند. سیاستهای دولتهای غربی برای کنترل و محدود کردن تروریسم اسلامی شکست خورده و هیولاهای خود را بیار آورده است. جنبش اسلامی بعنوان یک حرکت ارتجاعی و بورژوائی با مردمی که بطور تصادفی در کشور باصطلاح "اسلامی" چشم به جهان گشوده اند تفاوت اساسی دارد. اولی یک جنبش ارتجاعی و تروریستی با شاخه های مختلف است و دومی شهروندانی که بسیاری از آنها در جدالی بیوقفه با همین ترور و توحش اسلامی اند.

ما بعنوان کمونیست و کسانی که پیشگامان دفاع بی قید و شرط از آزادی بیان و انتقاد بوده ایم، هیچ "مقدساتی" را در بحث آزادی بیان برسمیت نمی شناسیم. آزادی بیان قید و شرط ندارد، سیم خاردار و مرزهای ممنوعه و کانتات غیر قابل بحث ندارد، حق بدیهی هر انسان است و دولتها صرفاً موظف به تامین و تضمین آنند. ما بارها اعلام کردیم که مدارس مذهبی را ببندید، مراکز سربازگیری جنبش تروریستی اسلامی را ببندید، آموزش سکولار و حقوق برابر را برای همه بعنوان شهروند با حقوق و مسئولیت برابر برسمیت بشناسید، مراکز آموزشی را از تظاهر مذهبی مصون کنید، حجاب کودک را ممنوع کنید، قوانین شریعه و ضد زن را برسمیت نشناسید. آزادی مذهب و اختیار مذهب امر بزرگسالان و تماماً خصوصی است. دولتها اما برعکس عمل کردند، به تبعیض و نابرابری دامن زدند، به اسلامیسیم و فاشیسم، هردو، زمینه تحرک دادند و گسترش تروریسم و نژادپرستی ماحصل سیاست آنها بوده است.

بشریت آزادیخواه در اروپا و کشورهای مختلف باید علیه هر دو سیاست دست راستی اسلامی و فاشیستی، علیه سیاست ماشاات دولتها با اسلام سیاسی، علیه سلطه مساجد و امامان و مراکز مذهبی بر زندگی روزانه صدها هزار انسان، در دفاع از برابری و رفع تبعیض و آموزش سکولار بمیدان بیاید. آنچه در جریان است یک کشمکش واقعی میان نیروهای متفرقه ارتجاعی مذهبی و ناسیونالیستی و فاشیستی است که ربطی به حقوق و منافع شهروندان این جوامع ندارد. سیاست ما کمونیست ها علیه سیاست تکنونی دولتها و جریانات فاشیستی و جریانات اسلامی است. ما اقدامات تروریستی جریانات اسلامی را محکوم می کنیم و دولتها را مسئول وضعیت ایجاد شده کنونی میدانیم. بشریت آزادیخواه و در راس آن طبقه کارگر و سوسیالیسم باید در صفی گسترده علیه اسلامیسیم و فاشیسم و برای برابری و رفع تبعیض بمیدان بیاید.

تروریسم و "مقدسات"

رحمان حسین زاده

موج جدیدی از تروریسم اسلامی با شنیدنی‌ترین شیوه در دو هفته اخیر در فرانسه و اتریش و افغانستان و جدان بشریت مترقی را تکان داده است. مستمسک وحوش تروریست اسلامی توهین به "مقدسات اسلامی" و "محمد مقدس" به دلیل انتشار کاریکاتورهای او است. اعلام محکومیت و انزجار و نفرت و افشاکاری از این اعمال تروریستی حتما لازم، اما مطلقا پاسخ این درندگی و استفاده از چاقو و تیزبر و شمشیر و قمه برای سربریدن انسان و گسترش بیسابقه ناامنی به محیط کار و زیست و تردد و هر منفذ اجتماع که فرد در آن حضور مییابد، نیست. اقدام سراسر است و بی ابهام درهم شکستن تروریسم در هر شکل و شمایل و در این مورد تروریسم اسلامی است. واضح است تروریسم و تروریستها را باید محصور و قرنطینه و زندانی کرد. دسترسی آنها به اهدافشان برای ترور و ایجاد وحشت قطع کرد. اما مهمتر فاکتورهای دخیل و سازنده تروریسم را باید شناخت و خشکاند. اینجا بحث تقابل همه جانبه و خودآگاه، سازمانیافته و اجتماعی انسانیت مترقی و آزادیخواه در مقابل و سیستم سیاسی و حکومتی، فکری و ایدئولوژیکی و نیروهای سازنده تروریسم مطرح است. این نه تنها کار حکومتهای کاپیتالیستی و از جمله قدرتهای بزرگ غرب و اروپایی با همه قدرت قهاره و نظامی حافظ نظام سیاسی و طبقاتی به شدت تبعیض آمیز و خشن و انسان کش در فرمت دولتهایی ظاهرا مدرن با خصلت و کارکرد برجسته تروریستی شان، نیست، بلکه خود انگره صورت مساله تحمیل فاکتورهای سازنده تروریسم هستند. نبرد همه جانبه با تروریسم و بربریت اسلامی، کار جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه ایست که تماما در تقابل با نظم استعمارگر و تولید کننده تبعیض و نابرابری و ناهنجاری و تباهی و تغذیه کننده همه بنیانهای ایدئولوژیکی و سیاسی و اجتماعی و عملی تروریسم است. اقدام تروریستی این بار در فرانسه و اتریش و موارد متعدد دیگر در گذشته با بهانه "توهین به مقدسات اسلامی" به این شکل شنیع اجرا شده است. "مقدسات" یکی از ابزارهای ایدئولوژیکی و سیاسی تروریسم اسلامی، قومی و نژادی و همه جریانات خرافی و متعصب است. لذا در آغاز این مبحث و در این نوشته به مساله خرافه "مقدسات" و نحوه برخورد آدامنشانه به آن میپردازم. در مطلب یا مطالب بعدی ابعاد دیگری از مبارزه موثر با تروریسم طرح میکنم.

جامعه آزاد "مقدسات" ندارد!

در دنیای امروز "مقدسات" و "احترام به مقدسات" به ابزاری علیه ابراز وجود آزادانه انسانها در ظرفیت فردی و جمعی تبدیل شده است. "مقدسات تراشی" نه صرفا زاده "ایدئولوژی و عقاید آسمانی یا زمینی" بلکه متکی به منفعت واقعی طبقات استعمارگر و در دنیای معاصر در خدمت منفعت نظم کاپیتالیستی که اساسا متکی به هویت سازی وارونه و جعلی مذهبی، ملی، نژادی، جنسی و عشیره ای دست ساز است. نظم حاکم سرمایه داری به تفرقه در صفوف طبقه کارگر و صفوف مردم

آزادیخواه نیازمند است. ابزار ایجاد این تفرقه ها در تمام دنیا بیش از هر عامل دیگری، ابتدا تفرقه مذهبی و تفرقه ملی و قومی است. نظم حاکم هویت مذهبی و هویت قومی را ساخته و می تراشند و آنرا به خورد مردم می دهند که زمینه ای برای تفرقه ایجاد کنند. هیچ یک از شهروندان جامعه با هویت مذهبی و ملی و یا نژادی و عشیره ای به دنیا نیامده است. ما به عنوان



انسان و موجود انسانی پا به زندگی و حیات میگذاریم. به طور طبیعی در سرآغاز زندگی چیزی از هویتهایی که بعدا ساخته و پرداخته میشود و به گردنمان آویزان میکنند، نمیدانیم. اگر در محیط آزاد و انسانی بزرگ شویم و هویتهای کاذب را به تک تک ما انسانها تحمیل نکنند، با همان هویت مشترک انسانی و به دور از تعصب، حیات اجتماعی و سیاسی و آموزشی را طی میکنیم و سعی میکنیم سرنوشت خود را در دست بگیریم. اما جامعه طبقاتی و طبقه و افکار حاکمه نمیگذارد این روند طبیعی طی شود. از سن معین و جایی معین، از محیط خانواده تا مدرسه و جامعه در همه کشورها و در ایران هم، عمدتا هویت مذهبی و ملی را به انسان عرضه می کنند و به او می آموزند که شما "شیعه" و "سنی" و "اسلامی" یا کاتولیک و بودایی و ... " هستی! یا طوق هویت ملی "روسی" یا "آمریکایی و چینی"، "فارس، کرد و ترک و ... " به گردن شهروند جامعه میندازند. از تکلم به زبانهای مختلف و از جمله فارسی و یا کردی و ترکی و عربی، پرچم سیاسی میسازند. براین اساس بحث اصلی آزادیخواهانه و کمونیستی این است که این هویتهای مذهبی و قومی و جعلی یک معضل اساسی است و آنرا می سازند و بین مردم رواج می دهند، دسته بندی و بیگانگی و دوری انسانها از هم را تعریف می کنند و این مفاهیم را بعنوان "مقدسات" به جامعه ارائه می کنند، مشکلات اجتماعی و سیاسی جدی بر جوامع تحمیل میکنند.

در ایران طی حاکمیت ۴۰ ساله جمهوری اسلامی شاهد تشدید انواع دسته بندی مذهبی و قومی بوده ایم و شکاف بین آنها تشدید شده است. در این دسته بندی ها تفرقه و کینه و نفرت هست. به خوبی بیاد دارم در مقطع سرنگونی حکومت سلطنتی و انقلاب ۵۷ هویت قومی و هویت ملی به اندازه حال حاضر برجسته نبود. مردم خود را بیشتر هم سرنوشت و همگرا و نزدیک به هم می دانستند. در ۴۰ سال گذشته این شکافها را تشدید کردند و این هویت ها را گسترش دادند و بر گردن مردم آویختند و این چاشنی کشمکش و مطرح کردن شعارهای ارتجاعی در مقابل هم است. طنز تلخ قضیه این است که این هویتهای کاذب را به عنوان "مقدسات" به خورد جامعه می دهند. یکی هویت مذهبی برایش "مقدس" می شود، یکی هویت ملی و دیگری خاک و سرزمین و محدوده جغرافیایی که در آن زندگی می کند و دیگری شهرش برایش "مقدس" می شود. در چهارچوب این هویتها و دسته بندی های جعلی و "مقدسات" ساخته شده نمیتوان قدم برداشت. هر حرکتی را "برخی" به عنوان توهین به دیگری حساب میکنند و مبنای کشمکش و جدال و خونریزی می شود و شده است. دنیا را نگاه کنید و در همین اروپا و در این فضای نسبتا آزادتر، کاریکاتوری از محمد رهبر مسلمانان کشیدند، بعد انواع تهدیدها و کشمکشها در این کشورها، به بهانه "توهین به مقدسات مسلمانان" در دانمارک و هلند و اخیرا فرانسه و اتریش پیش آمد و

اعلامیه حزب حکمتیست

هفت تپه؛

سیاست ایجاد بحران و اخراج فعالین کارگری!

امروز پنجشنبه ۱۵ آبان، از اول صبح یگان ویژه در مقابل درب ورودی مجتمع هفت تپه مستقر شد و از ورود پانزده نفر از فعالین کارگری به شرکت جلوگیری کرد. چهارشنبه شب چهاردهم آبان، چهار نفر از کارگران بازداشتی با قید وثیقه آزاد شدند و بلافاصله کارفرمای شرکت در هماهنگی با استاندار و شورای تامین شوش دستور جلوگیری از حضور نمایندگان کارگری به شرکت را صادر میکند. کارگرانی که دستور اخراجشان در هماهنگی با اسدیگی صادر شده عبارتند از: ۱- ابراهیم عباسی منجزی ۲- امید آزادی ۳- حامد حمدانی ۴- یوسف بهمنی ۵- محمود خدایی ۶- عادل سرخه ۷- حسن کهنکی ۸- محمد امیدوار ۹- صاحب ظهیری ۱۰- فیصل ثعالی ۱۱- حسین حمدانی ۱۲- محمد حمدانی ۱۳- حمید ممبینی ۱۴- مسعود حیوری ۱۵- مسلم چشمه خاور. نیروی انتظامی در پاسخ به اعتراض کارگران عنوان کرده که "مامور است و معذور!" ساعتی بعد معلوم شد، و سران مجلس نیز اذعان کردند، که این دستور توسط شریعتی استاندار خوزستان صادر شده است.

در مقابل این حرکت جیوانه و ضد کارگری، بلافاصله بخشهای مختلف کارگران منطقه صنعتی در مقابل درب ورودی جمع شدند. جمعیت وسیعی از کارگران شعار میدادند: "درود بر کارگر، مرگ بر ستمگر"، "کارگرد می میرد، ذلت نمی پذیرد"! کارگران تحت چتر حمایت و همبستگی خود نمایندگانشان را با احترام وارد شرکت کردند و به سخنان یکی از نمایندگانشان یوسف بهمنی گوش کردند. یوسف بهمنی از جمله تاکید کرد که هیچ نوع برخورد فیزیکی یا بی احترامی به آمیلی صورت نگرفته و شکایت آنها کلا دروغ بوده است. وی تاکید کرد: "به هر کس می رسی میگه مامورم و معذور، هیچکس مامور و معذور نیست، وجدان، شرافت و انسانیت معذور بودن سرش نمیشه!"

تلاش برای اخراج پانزده نفر از فعالین و نمایندگان کارگران در ادامه سیاست پرونده سازی و ایجاد ناامنی و بحران در شرکت است. این کارفرما و شرکای وی از جمله استاندار هستند که چون امکان قبول تعهدات شان را ندارند، با آوردن نیروی نظامی و ممنوع ورود کردن فعالین، دنبال ایجاد تشنج و نهایتاً پرونده سازی و سرکوب هستند. کارگران هفت تپه در عین حال که زمان کنونی را مناسب اعتصاب نمی دانند، اما در مقابل چنین اقداماتی ساکت نمی شوند. کارگران منتظرند که تا پایان آبانماه خلع ید اجرائی شود و اسدیگی و تیمش از هفت تپه بروند. امروز سیاست اخراج دستجمعی نمایندگان کارگران شکست خورد و در آینده نیز شکست می خورد. اینرا بلوغ سیاسی و اتحاد و پشتیبانی بیدریغ کارگران هفت تپه از نمایندگان و فعالین کارگری نشان داد. زنده باد رزم و اتحاد کارگران هفت تپه!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۵ آبان ۱۳۹۹ - ۵ نوامبر ۲۰۲۰

تروریسم و "مقدسات"...

جریانات اسلامی به میدان آمدند و شاخ و شانه کشیدند. چند سال قبل تروریستهای اسلامی با بهانه مشابه به دفتر تحریریه شارلی ابدو حمله کردند و متأسفانه دوازده نفر از کارکنان آنرا را کشتند.

در این شرایط در مورد هر مسأله ای صحبت کنیم به "مقدسات" عده ای توهین شده است. کاریکاتور پیامبر کشیدن توهین به "مقدسات" عده ای است. طنز و نقد شاهان ستمگر ایران توهین به "مقدسات" ناسیونالیسم ایرانی است. صحبت درباره بند و بست سران ناسیونالیسم کرد توهین به "کردها" است. طنز ترکی گفتن توهین به "ترک" هاست. در این دنیای "مقدسات" چیزی که اسارت پیدا می کند تحرک و تپش جامعه و انسان است. در این فضای مسموم، نقد و کاریکاتور کشیدن، جوک گفتن، طنز، تئاتر و فیلم و نقد و هجو کردن سمبلهای مختلف موجود در جوامع به فاجعه تبدیل می شود. در جامعه هارمونیک و نرمال و آزاد، زمانی که این "هویتهای کاذب مقدس" وجود نداشته باشد همه خود را براساس هویت انسانی تعریف می کنند. در این شرایط اگر کسی، طنزی گفت کسی آن را به خود نمی گیرد و همه اینها بعنوان تفریحات شنیده می شود و جامعه هم این را می پذیرد. در نتیجه هویت مذهبی، و قومی، هویتهای کاذب و جعلی است که آنها را ساخته اند و به "مقدسات" تبدیل کرده اند تا تفرقه را بین مردم گسترش بدهند.

باید اعلام کرد "مقدسات" نداریم. جامعه ای میتواند آزاد و ایمن باشد که اعلام کند "مقدسات" ندارد. داده های اجتماع را اعم از واقعی یا غیر واقعی در هاله ای از تقدس نیچد و دور آنها خط قرمز نکشد. هر پدیده اجتماعی و فرهنگی و مذهبی و سیاسی را قابل نقد، طنز، هجو و جوک بداند، حول کدها و سمبلهای ظاهرا "مقدس" خط قرمزی وجود ندارد و با رساترین شیوه باید مورد نقد و هجو و طنز قرار بگیرند و طبعاً مدافعین این خرافه ها به جای نفرت پراکنی و ایجاد تفرقه و تهدید فردی و جمعی در همان ظرفیت سیاسی و فرهنگی و گفتاری و نوشتاری پاسخ دهند. جامعه آزاد جامعه ایست که تحمل شنیعترین حرفها و پاسخ به آن را به دور از تهدید فیزیکی و ایجاد نفرت داشته باشد. پیش شرط اینکار منسوخ اعلام کردن "مقدسات" و مذموم اعلام شدن هر نوع نفرت پراکنی، تهدیدات فیزیکی به بهانه "مقدسات" است.

نکته آخر مرز بین توهین و افترا را باید شناخت و به درستی از هم تشخیص داد. افترا به فرد حقیقی و حقوقی ممنوع است و هر قانون نسبتاً پیشرو در دفاع از حرمت شهروندان آنرا ممنوع و قابل تعقیب میداند. اما به بهانه توهین نمیتوان و نباید دامنه ابراز وجود اجتماعی و سیاسی انسانها را قالب زد و محدود کرد. اگر داعیه "مقدسات" و سپس توهین را با روایت مذهبیون و ملی گرایان و ناسیونالیستها، ببذیریم، آنوقت باید دهن همه مردم را ببندیم. چون به زعم آنها هر نقد و طنز و حرف و اظهار نظر کسی میتواند توهین به "مقدسات" دیگری تلقی شود. این رفتار و نگرش را نیروهای پیشرو اجتماعی و کمونیستها باید به خودآگاهی توده وسیع شهروندان جامعه تبدیل کنند، نه اینکه خود به توجیه گر "مقدسات" و هویتهای کاذب و توهین به آنها" تبدیل شوند.

مردم نیازمند صدقه نیستند،

تامین معیشت و سلامت شهروندان وظیفه دولت است!

ملکه عزتی

بلای کرونا ماههاست گریبان همه را گرفته است. بی دلیل نیست که در کاتاکوری پاندمی جا میگیرد. در همه کشورها این ویروس مرگبار فاجعه آفریده و بی محابا از پیر و جوان قربانی این ویروس میشوند. اما در همه جا این فاجعه به یکسان بر جان و معیشت انسانها تاثیر نداشته است. درکشورهایی که درمان و بهداشت رایگان هنوز شامل حال شهروندان میشود معیشت و سلامت انسانها به درجه ایی تامین است. تستها مجانی است، هزینه بیمارستان رایگان و برخورداری از حقوق و دستمزد در زمان نفاقت هم قطع نمیشود. قطعا این امکانات از صدقه سر دول اروپایی یا سازمانهای خیریه و کلیسا و کنیسه نیست. این امکانات مابه ازای کار و تلاش است که کارگر و جمعیت کارکن این جوامع در قبال فروش نیروی کار خود در زمان سلامت بهایش را پرداخته اند. علیرغم اینکه در سالهای اخیر بسیاری از این دستاوردها بازپس گرفته شده اند اما هنوز بطور قطع موفق به بازپس گیری همه امتیازات نشده اند.

اما در ایران اسلام زده تحت سلطه دیکتاتوری مذهب و سرمایه سلامتی انسانها هم وزن کیف پول آنهاست. هر چه قطر کیف و جیب بیشتر اهمیت جان و سلامتیشان هم بیشتر. برای بقیه و اکثریت عظیم جامعه مسئولیت سلامتی و تامین بهداشت و درمان به یک وظیفه شخصی و فردی تبدیل شده است. دولت و ارگانهای قدرت و حاکمیت نه تنها بهایی برای سلامت آحاد جامعه نمیدرزد بلکه همان میزان از امکانات هم که موجود است در اختیار اطرافیان و وابستگان خودی قرار میگیرد.

سران ریز و درشت رژیم برای معالجه با بهترین امکانات به کشورهای پیشرفته اروپایی اعزام میشوند و هزینه درمان و اقامت و بیمارستان هم از خزانه مردم تامین میشود. آخوند مفتخوری که تمام عمرش زانو وار از قیل خمس و زکات مردم ارتزاق کرده در بیمارستانهای اروپایی عمل میشود و مردم تحت ستم و محروم جامعه برای یک آمپول آنسولین باید نصف حقوق ماهانه را پرداخت کنند. خارج از اینها از دیگر عواقب پاندمی کرونا تعطیل شدن مراکز کاری و آموزشی است که آنها برای طبقات مختلف تبعات متفاوت دارد. ۶ میلیون دانش آموزی که در نقاط دور افتاده و بدون امکانات بسر میبرند بدلیل عدم دسترسی به امکانات اینترنتی آموزشی از تعقیب کلاس ها و آموزش محروم میشوند در حالیکه فرزندان آقازاده ها بدون کوچکترین مشکلی از هر امکان برخوردارند. در مناطقی که آب آشامیدنی و کلاس درس مسقف جز لیست کالاهای لوکس هستند، اینترنت تکلیفش روشن است. بیکاری ناشی از ورشکستگی مراکز کاری و تعطیلی کارگاه ها، تعدیل مشاغل و عدم پرداخت حقوق ها هم درد بزرگ جامعه ایی است که نفس کشیدن هم بدون پول و امکانات ممکن نیست. بی کفایتی دولت در مقابله با کرونا، اختلاس و لغت و لیسهای مجلس و قوه قضاییه و عدم تخصیص بودجه جهت تامین اقلام درمانی و پزشکی جان انسان رنج دیده و محروم جامعه

در رده ارزان ترین کالای موجود در زیر حاکمیت سرمایه و استثمار انسان از انسان قرار داده است. در دنیای فاصله های طبقاتی جان انسانها قیمت گذاری میشود و جان کارگر و مردم زحمتکش در رده ارزانترین ها. انسانها تنها دربرخورداری از امکانات درمانی متفاوت نیستند در خوراک و پوشاک و مسکن هم این تفاوتها قرنهاست وجود دارد. توزیع ۴۵ تن برنج

مسموم در میان مردم ارومیه از مصادیق بارز این اختلاف فاحش است. بعد از توزیع میگویند این برنج حتی قابل استفاده خوراک دامی هم نبوده!! در جامعه ای که آب تمیز کالای لوکس است، گندم و آرد احتکار میشود، کلیه و چشم و نوزاد و جنین کالای عرضه شده در بازار، برنج مسموم زیاد به چشم نمیخورد.

تامین اکسیژن بیماران کرونایی توسط خانواده هایشان به یک پدیده عادی تبدیل شده است. قیمت ابتدایی ترین مایحتاج مردم سر به آسمان زده، مرغ و گوشت منتهاست از سفره ها حذف شده امکان حذف سبزیجات و میوه هم دور از تصور نیست. در مصاف بیکاری و فقر و کرونا برخورداری از حق سلامت و معیشت پایه ای ترین خواست شهروندانی است که این وضعیت ادامه زندگی را برایشان ناممکن کرده است. تامین سلامت و معیشت وظیفه دولت است، لطف و مرحمت بزرگان بر بردگان نیست. حق مسلم طبقه ای که سالها و دهه ها خالق ثروت و سامان جامعه بوده اند اما خود کمترین بهره ای از آن نبرده اند. افسار گسیختگی بازار و سرمایه باعث فروپاشی زندگی میلیونها انسان زحمتکش جامعه شده است. نباید شاهد فروپاشی بیشتر بود، بهای سوداندوزی بی پایان اقلیتی فاسد را نباید مردم تحت ستم و محروم بپردازند. ظاهرا دولت تصمیم گرفته ۵۴۰۰۰ هزار پایگاه سپاه و بسیج در محلات شهرهای بزرگ مستقر کند. این نظامی سازی محلات را شناسایی بیماران کرونایی نامگذاری کرده اند! خنده دار است. اگر حتی در بهترین و خوشبینانه ترین حالت این را بپذیریم که راست میگویند، هزینه ۵۰ هزار پایگاه چنان سرسام آور است که میتوان با آن هزینه درمان هزاران بیمار کرونایی را تامین کرد. این طرح را باید چنان رسوا کرد که دیگر به مغزهای معیوبشان خطور نکند که میتوانند سر مردم را کلاه بگذارند و با چنین طرحهایی به مصاف سد بستن در مقابل آبانی دیگر بروند. باید به این جانین وقیح گفت مردم را به کام مرگ نفرستید، برای بیمارستانها اکسیژن تامین کنید، داروهای موردنیاز را قاچاق نکنید، آرد و گندم را احتکار نکنید، کافی است. پایگاه بسیج را برای حفاظت از خودتان نگه دارید که قطعا محتاج آن خواهید شد.

میگویند از "خیرین" ۴۰ هزار بسته کمکهای اولیه مورد نیاز مردم در مقابله با کرونا جمع آوری شده و در میان مردم محتاج پخش خواهد شد. مردم از شما صدقه نمیخواهند، ماسک و دستکش و مواد ضد عفونی جمع آوری شده از خیرین توسط سپاه و بسیج پیشکش خودتان. صدقه در لیست خواستههای مردم نیست. مردم خواهان تامین و تضمین امکانات درمانی و بهداشتی در این شرایط حساس هستند. وظیفه دولت است. خیرین و صدقات جمع آوری شده را در همان پایگاههای بسیج و حوزه های جهلیه تقسیم کنید که در این سابقه و ید طولائی دارید. مردم از خواست تامین بهداشت، سلامت و معیشت شایسته انسان



اعلامیه حزب حکمتیست

تلاشهای مذبوحانه شکست خوردگان!

در باره وقایع اخیر هفت تپه

امروز شنبه دهم آبان کارگران هفت تپه در اعتراض به بازداشت نمایندگان و همکارانشان؛ ابراهیم عباسی منجزی، یوسف بهمنی، حمید ممبینی و مسعود حیوری و خواست آزادی فوری آنها در درون شرکت اجتماع و راهپیمائی کردند. عصر روز پنجشنبه ماشینهای پلیس به منازل این کارگران هجوم برد و با توهین و ایجاد رعب بازداشت شدند. این بازداشت بدنبال شکایت کارفرما و هماهنگی با نیروهای قضائی صورت گرفت. بهانه آن نیز یک درگیری لفظی با آمیلی نماینده کارفرما در صبح پنجشنبه در درون شرکت بود. آمیلی بدروغ ادعا کرده که کارگران او را کتک زدند و افراد وابسته به کارفرما نیز این گزارش جعلی را تأیید کردند.

این پرونده سازی و شکایت کارفرما و مدیران از فعالین کارگری جدید نیست، کارگران هفت تپه در دادگاههای شوش و دزفول تعداد زیادی از این پرونده های جعلی دارند. این اقدام در ادامه یک مجموعه اقدامات شکست خوردگان در هفت تپه صورت گرفته است. مبارزات و اعتصابات کارگران به تحقق درجه ای از خواسته های آنان و خلع ید از کارفرمایان منتهی شد. حکومتی ها زیر فشار اعتراضات متحد کارگران ناچار شدند عقب بنشینند و حکم خلع ید را صادر کنند و در عین حال این روند عقب نشینی را بنفع خودشان مدیریت کنند. داستان پرونده های فساد و رشوه و همکاری تنگاتنگ نهادهای متفرقه حکومتی با کارفرما، نقل مجلس کارگران هفت تپه است. بالائی ها هر رقابتی برسر تصاحب اموال عمومی داشته باشند در مقابل کارگران متحدند و دستجمعی تلاش دارند که در پروسه خلع ید و تغییر مالکیت شرکت، حداقل امکان کارگران هفت تپه را از دخالت دور نگاه دارند. متقابلاً کارگران به سیاست بالائی ها واقفند و خود را برای جشن پیروزی و اعمال نظارت بر امور آماده می کنند. در یکماه گذشته و بدنبال اعلام رای خلع ید، مجموعه اقداماتی برای اعمال فشار و تهاجم به فعالین کارگری توسط تیم کارفرما و مشخصاً همین آمیلی آغاز شد. این اقدامات با نپرداختن حقوق فعالین، رد نکردن اضافه کاری آنها و تلاش برای اخراج شروع شد. ایجاد درگیری توسط عوامل کارفرما و قمه کشی تا تیراندازی در درون شرکت به آن اضافه شد. دست بردن به تحریک قومی و ایجاد اختلاف و تفرقه و دشمنی میان کارگران یک سیاست دیگرشان بود. انتشار اسناد تقلبی برای تخریب چهره فعالین و نمایندگان کارگران اقدام دیگرشان بود. با دادن تصویر ناامن و ملتهد پای نیروی انتظامی را به درون شرکت باز کردند، رژه نیروی انتظامی در درون و حوالی شرکت محیط مجتمع را نظامی و پادگانی و امنیتی کرده است. با ایجاد این فضا "آمیلی" از تهران به شرکت می آید و با اعتراض کارگران مواجه میشود، سپس با هماهنگی مقامات مختلف و اسدیگی و گزارش عوامل کارفرما، به فعالین هجوم می آورند و پرونده قضائی جدیدی را باز می کنند.

دیروز جمعه و امروز شنبه بخشی از کارگران مقابل اداره پلیس امنیت شوش اجتماع و پیگیر آزادی همکارانشان بودند. آزادی آنها بنا به روال باید توسط قاضی کشیک صورت میگرفت اما دیروز علیرغم اینکه کارگران تا آخر شب ماندند، قاضی کشیک آفتابی نشد و بازداشت کارگران ۲۴ ساعت دیگر تمدید شد. امروز نیز در پایان وقت اداری اعلام کردند که باید وثیقه بگذارند. لذا امشب نیز کارگران در بازداشت اند و آنها را به زندان دزفول منتقل کردند.

این تلاشهای مذبوحانه شکست خوردگان با پاسخ روشن کارگران باتجربه هفت تپه روبرو می شود. کارگران هفت تپه نشان دادند که پشت نمایندگان واقعی شان را خالی نمی کنند. بازگشت به کار همکاران اخراجی و مسدود شدن پرونده های قضائی یکی از خواسته های ثابت کارگران هفت تپه بوده است. کارگران هفت تپه اعلام کردند که فردا یکشنبه ساعت نه صبح مقابل دفتر مدیریت مجدداً اجتماع می کنند. ما همراه با کارگران این اقدامات سرکوبگرانه و بازداشت و پرونده سازی برای نمایندگان کارگران را قویاً محکوم می کنیم. کارگر زندانی بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردد! زنده باد رزم و اتحاد کارگران هفت تپه!

۱۰ آبان ۱۳۹۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۲۰

مردم نیازمند صدقه نیستند،

تامین معیشت و سلامت شهروندان

وظیفه دولت است...

امروز کوتاه نمیایند. با همه ترفندهای ممکن میخواهند از زیربار مسئولیت تامین سلامتی و معیشت مردم در شرایط بسیار حساس کرونا شانه خالی کنند. نباید اجازه دهیم این مهمترین خواست مردم کارگر و زحمتکش با صدقه و پایگاه سپاه و بسیج جواب بگیرد. از حقوقهای میلیونی نمایندگان مفتخور مجلس و اعضای دزد و جانی دولت و بیت رهبری و حوزه خرافه پراکنی قم کم کنید تا مردم بتوانند نفس بکشند.

بدون ارگانهای خرافه و سرکوب بدون اعدام و ارباب حتی یک روز دیگر هم نمیتوانید به عمر ننگینتان ادامه بدهید. خزانه را برای آنها هزینه میکنید و به مردم صدقه میدهید. مردم کارگر و زحمتکش، معترضینی که فریاد زدند جمهوری اسلامی نمیخواهیم، فریاد زدند اصلاح طلب اصولگرا تمومه ماجرا، جواب این درجه ردالت و بیشرمی را در آبانی دیگر خواهند داد. خیالتان راحت!

۵ نوامبر ۲۰۲۰

"مادام که در نظامی هویت انسانی"

اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا

زیر سوال است، که در آفریقای

جنوبی، ایران اسلامی، عربستان

سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای

قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا

چنین است، امر سوسیالیسم به امر

اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و

مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت

یک سال از خیزش انقلابی آبانماه گذشت

سعید یگانه

یکسال از خیزش انقلابی آبانماه گذشت. در این یکسال با وجود شیوع ویروس کشنده کرونا جامعه تحولات و تقابلهای زیادی را از سر گذرانده است، درعین حال مردم ایران با یک فاجعه انسانی روبرو شده اند. شرایط آزار دهنده و بسیار سختی به اکثریت جامعه بخصوص کارگران و تهیدستان تحمیل شده است. ویروس کرونا به یمن جمهوری اسلامی هزینه و تلفات سنگینی را به مردم تحمیل کرده است. لاقیدی و سیاستهای ضد مردمی جمهوری اسلامی، زندگی را در این شرایط دهها برابر سخت تر کرده است. کنترل اوضاع به لحاظ اقتصادی از دست رژیم خارج شده و تورم و گرانی سرسام آور و کمبود مایحتاج و نیازهای اولیه، زندگی را برای تعداد زیادی غیر قابل تحمل کرده است. جمهوری اسلامی تنها دولتی است که میلیونها انسان را در این شرایط کرونایی بدون حمایت معیشتی و بهداشتی به حال خود رها کرده و از این شرایط برای تجدید قوا و آمادگی برای مقابله با پیامدهای اجتماعی بحران سود می جوید. جمهوری اسلامی نیز در باتلاق بحران و ورشکستگی اقتصادی دست و پا می زند. برخلاف گزافه گویی سران رژیم در نهایت افلاس اقتصادی، امید به نتایج انتخابات در آمریکا برای خروج از بحران و کاهش تحریمهای اقتصادی، به مسئله هردو جناح رژیم بدل شده و روی آن حساب باز کردند.

یک سال از خیزش انقلابی آبانماه گذشت. تردیدی نیست که هدف شرکت کنندگان در این خیزش انقلابی سرنگونی هیولای اسلامی حاکم و پایان دادن به ستم و تبعیض و نابرابری بود. سرکوب خونین و وحشیانه رژیم اسلامی این مجال را گرفت که نبرد تا تعیین تکلیف نهایی پیش برود. با وجود سرکوب وحشیانه رژیم که هنوز ادامه دارد، جامعه تشنه آزادی و تغییر زنده و فعال است، نبرد برسر سرنگونی جمهوری اسلامی مسئله روز و باز جامعه است. به همین دلیل است که سران رژیم از نظامی و غیر نظامی شب و روز نقشه می کشند که چگونه با نارضایتی و نفرت مردم و انفجارهای بعدی روبرو شوند. در مدت یکسال گذشته بارها از سران رژیم شنیده ایم؛ "اگر فکری به حال این اوضاع نکنیم" همه در این کشتی شکسته غرق خواهیم شد.

واقعیت این است که یکسال بعد از خیزش خونین آبانماه، اکنون هیچ راه خروجی در این بست سیاسی-اقتصادی برای جمهوری اسلامی قابل تصور نیست. در مقابل مردم هم راهی جز ادامه مبارزه برای عبور از جمهوری اسلامی ندارند. "هراس افکنی جمهوری اسلامی" با اعدام و دستگیری و احکام سنگین زندان، انعکاس هراس از مردمی است که در کمین آن نشسته اند. فرق نظامی محلات و محیط زیست مردم به بهانه "مبارزه با کرونا" نتوانسته و نمیتواند رژیم اسلامی را از این منجلاب نجات دهد. فاکتورها و دلایل پایه ای تری علت این شرایط بحرانی در ایران است. بحرانهای سیاسی و اقتصادی و عدم مشروعیت جمهوری اسلامی این روند را تشدید کرده و همه راهها بجز سرکوب و ارباب را از سران جمهوری اسلامی برای خروج از این بحران شکننده سلب کرده است.

واقعیت اینست که راه دیگری برای مردم تشنه آزادی و رفاه برای خروج از این شرایط جهنمی جز ادامه خیزشهای انقلابی و توده ای باقی نمانده است. جمهوری اسلامی بعد از خیزش آبانماه با سواستفاده از شرایط کرونایی قصد دارد جامعه را فلج و دچار یاس و ناامیدی کند و درعین حال با اشغال نظامی محلات و محیط زیست مردم بقای ننگین خود را تضمین کند. امروز نه تنها مخالفین سر سخت رژیم، بلکه حتی کسانی که تا دیروز به اصلاح رژیم دل خوش کرده بودند، اذعان می کنند که "این رژیم قابل اصلاح نیست و جنبش اصلاحات به سخته مغزی دچار شده است!"



خیزش آبانماه و اعتراضات توده ای و اعتصابات کارگری بعد از آن، ابراز وجود بخشهای مختلف طبقه کارگر علیه فقر و بیکاری و گرسنگی و حاکمیت اختناق اسلامی بود. مسبب این همه بدختی جمهوری اسلامی و مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری است. امروز اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم، فقر و فلاکت بمراتب تشدید شده است. ویروس کرونا اوضاع را دهها برابر وخیم تر کرده است. مسکن و هزینه آموزش خانواده ها را بیشتر تحت فشار قرار داده است. تصور اینکه با وجود جمهوری اسلامی بهبودی یا گشایشی در زندگی مردم ایجاد شود در مخیله هیچ انسان عاقلی نمی گنجد. دورنمایی برای بهبود وضعیت مردم، حتی بعد از پایان پاندومی کرونا محال به نظر میرسد.

با این حال خیزش آبانماه نشان داد که این رژیم همین طوری نمی افتد. بعد از واقعه آبانماه رژیم اسلامی به خوبی دریافته که مقابله با این مردم کار ساده ای نیست. گفته اند یا فاش شده است که شانس آوردند در این زمین لرزه جان سالم بدر بردند. رژیم اسلامی هر چقدر هم زور به کار ببرد یک مسئله اساسی هیچوقت جواب نگرفته و تا زمانی که جمهوری اسلامی سر کار است جواب نخواهد گرفت. آنهم آزادی، رفاه و برابری که نه در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل حصول نیست. جمهوری اسلامی باید برود. این اراده در روانشناسی جامعه امروز شکل گرفته است. خیزش انقلابی آبانماه نشان داد که این امر شدنی است. اما این درجه از توان و سازمانیافتگی برای مقابله با رژیم تا دندان مسلح کافی نیست. اما این پتانسیل در جامعه برای تقابلهای آینده وجود دارد. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری سوسیالیسم تنها جواب روشن و سر راست به این اوضاع در ایران است. در این روزهای آبانماه یاد جانباختگان خیزش انقلابی آبانماه ۹۸ را با ادامه راه این عزیزان تا سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی، برابری و سوسیالیسم گرامی می داریم.

۴ نوامبر ۲۰۲۰

یا کار یا بیمه بیکاری!

بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!

انتخابات آمریکا

و امیدهای جمهوری اسلامی

نادر شریفی

جمهوری اسلامی یک رژیم خشن حافظ نظام سرمایه داری است اما به دارازی طول حیاتش، یک رژیم نامتعارف و ناهمخوان با کارکرد سرمایه جهانی بوده است. بعنوان یک سرمنشا جنبش اسلامی و تروریستی، یک فاکتور مزاحم در ثبات منطقه برای "رشد جهان سرمایه" و مشخصا هویت خود را بر یک ضد آمریکائی ارتجاعی بنیان نهاده است. جدال بین جمهوری اسلامی بعنوان یک کانون اسلام سیاسی با آمریکا بعنوان رهبر خودگماشته جهان سرمایه داری، جدال برسر قدرت است، جدالی برسر سهمخواهی بیشتر از یکطرف و مطیع کردن جمهوری اسلامی در چهارچوب روابط بین المللی از طرف دیگر است. جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی محصول جنگ و رقابت بلوکهای سرمایه داری و تنها آلترناتیو ممکن برای سرکوب عقب راندن آزادیخواهی و برابری طلبی و سوسیالیسم در انقلاب ایران بود. امروز جمهوری اسلامی برای حفظ قدرت سیاسی در ایران و دستیابی به قدرت بیشتر در منطقه تلاش می کند و این سیاست را با اتکا به تروریسم اسلامی و از طریق جنگهای نیابتی دنبال میکند. این "جدال" و "جنگ قدرت" در دوره هائی با تشنج کمتر و در دوره هائی با تشنج بیشتری در سطح دیپلماتیک همراه بوده اند. سیر جنگ لفظی و تهدید به جنگ قبل از توافق برجام، بعد از توافق برجام تا خروج آمریکا از این معاهده مثالهایی اند.

با بررسی وضعیت امروز دو جامعه و حکومتهای آن هم متوجه می شویم که پیروزی و یا شکست این و آن کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا نقش بزرگی در رابطه ایندو بازی نخواهد کرد. نه سیاستهای اساسی جمهوری اسلامی با تغییر رئیس جمهور عوض می شود و نه سیاست هیئت حاکمه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی با تغییر رئیس جمهور تغییر ماهوی میکند.

نگاهی به آمریکا در روزهای شمارش آراء

همانند دوره های گذشته مبارزات انتخاباتی در آمریکا بین دو حزب بورژوائی دموکراتها و جمهوری خواهان، نه جدال بر سر تغییر ریل قطار حاکمیت، بلکه اختلاف برسر چگونگی احیای دوباره آمریکا در رهبری جهان سرمایه داری است. انتخاب فرضی ساندرز تحت چهارچوبهای پایدارتر سرمایه داری آمریکا، نمیتوانست منجر به رفرمهای مهمی شود، امری که جو بایدن حتی ادعایش را ندارد. بنابر این نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا هرچه باشد، نتایج بسیار حداقلی در برنامه هیئت حاکمه آمریکا چه در عرصه داخلی و یا در عرصه جهانی بوجود خواهد آورد. هدف روی کار آوردن ترامپ با سیاست پروتکشنیستی دوره قبل این بود که موقعیت رو به افول آمریکا را احیاء کنند. ترامپ با سیاست "اول آمریکا" نه تنها نتایج قابل سنجش و مثبتی در عرصه اقتصاد بدست نیآورد بلکه مسبب آن شد که هرچه بیشتر متحدین وی در عرصه سیاسی و اقتصادی از او فاصله گرفته و

حتی به مقابله با سیاستهای او بپردازند. ترامپ اما با افکار نژادپرستانه، برداشتن حداقل مالیات بر میلیاردرها، فاصله طبقاتی در جامعه را گسترش داد. منازعه اقتصادی آمریکا با چین، لغو توافق توقف مسابقه تسلیحاتی با روسیه، منازعات مختلف با همتایان اروپائی، وضعیت خطرناک کرونا در آمریکا، بیکاری، بدهی چند تریلیونی دولت، خروج از پیمان حفظ محیط زیست معروف به توافق پاریس، تنها بخشی از این مشکلات عدیده پیش روی دولت آینده آمریکا خواهند بود.

وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی حتی مطمئن نیست که نه ماه دیگر می تواند انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ را برگزار کند. جامعه با افزایش هزینه زندگی ۶۰-۷۰٪ بسر می برد. نیم اکثریت جامعه زیر خط فقر زندگی میکنند. ابیدمی کووید ۱۹ روزانه حداقل هزار کشته بجا گذاشته و کل کشور در وضعیت بحرانی بسر می برد. از طرف دیگر جمهوری اسلامی از ترس عروج دوباره نآرامیهای اجتماعی آبانماه سال گذشته ولی بنام مبارزه با کرونا، گروههای سرکوب و کشتار در محلات براه انداخته است. سپاه پاسداران خود مسئولیت مستقیم کنترل خانه به خانه را بعهد گرفته است. فضای جامعه میلیتاریزه و شبه کودتائی است. تشدید بحران اقتصادی، ورشکستگی وسیع، ناتوانی دولت و حکومت اسلامی در تهیه نیازهای مردم، تشدید فقر در کنار دزدیهای میلیاردی، بیکاری میلیونی، گرانی و کمبود مواد غذایی، بهداشتی و داروئی جامعه را دچار بحران حادی کرده است. این حکومت هرچند با سخنان روحانی سعی کرد که وضعیت از هم پاشیده اقتصادی و اجتماعی اش را به گردن آمریکا بیندازد، اما حتی خامنه ای مجبور شد، برای کنترل جامعه طی روزهای گذشته، مستقیم فشارها، گرانی و نابسامانی و تنها هفتصد هزار بی خانمان در تهران را نه به گردن تحریمها، بلکه ناشی از بی کفایتی و سوء برنامه حکومتگران در ایران بنامد. بنابراین خوش بینی های حاصل از پیروزی بایدن که گویا نفس انتخابش بیشتر از خودش روی کاهش قیمت ها و کاهش ارزش دلار اثر میگذارد، بسیار با عقل متوسط و حداقل دانش اقتصادی در تناقض است. و از این فراتر اینکه دولت فرضی بایدن میتواند چنین تأثیری را روی اقتصاد ورشکسته و فاسد جمهوری اسلامی داشته باشد، بیشتر به فانتزی شبیه است.

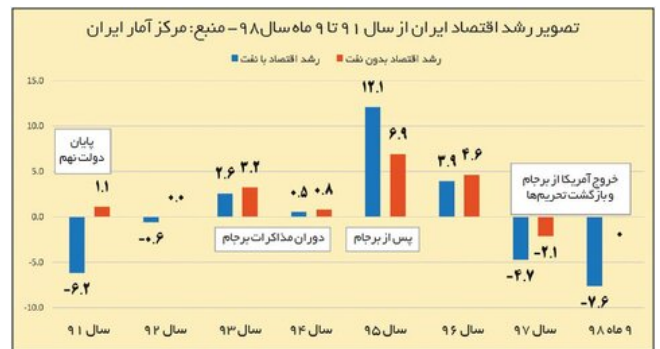
هزینه جدال قدرتهای ارتجاعی را طبقه کارگر می پردازد

حدود شش ماه پس از اختصاص یک میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی ایران برای مبارزه با کرونا میگذرد. وزیر بهداشت از دریافت "سهم کوچکی" (یعنی حدودن ۱۷٪) از آن خبر میدهد و یک مقام سازمان برنامه و بودجه در واکنش میگوید "ارز صندوق توسعه ملی در دسترس نیست". در کنارش آمریکا تحریمهای جدیدی علیه ایران وضع میکند، از دستیابی دولت ایران به ۵ میلیارد دلار اعتبار تحت نام مبارزه با کرونا در ایران ممانعت بعمل می آورد و از فروش نفت و خرید مواد اولیه برای "فشار حداکثری" به جمهوری اسلامی استفاده میکند. هزینه این دست تحریمها مستقیما بر دوش طبقه کارگر ایران گذاشته می شود. با تحریمهای آمریکا، مواد اولیه خیلی گران شده و معامله با مشتریان محصولات برای جمهوری اسلامی بشدت سخت شده

انتخابات آمریکا

و امیدهای جمهوری اسلامی ...

است. به دلیل تحریم‌های مالی آمریکا و اریز پول به حساب یک استارت‌آپ ایرانی می‌تواند برای مشتری‌ها در دسترس شود. بازار توریسم هم در کنار ناآرامیهای اجتماعی و تحریم‌های اقتصادی تقریباً به صفر رسیده است. پس از خروج آمریکا از برجام، شماری از شرکت‌های هواپیمایی اروپایی پروازهای خود به ایران را لغو کردند. بسیاری حتی نگران بروز جنگ در خاورمیانه هستند. اقتصاد ایران ورشکسته است. مایحتاج ضروری کمیاب و بخاطر گرانی غیر قابل پرداخت شده است. بخش قابل توجهی از صنایع غذایی ایران وابسته به واردات است. بخشی از این واردات شامل مواد غذایی و بخش دیگر شامل مواد اولیه برای بسته بندی مواد غذایی لازم است. قیمت مایحتاج ضروری مانند روغن، تخم‌مرغ، لبنیات و حتی ماکارونی افزایش چشمگیری داشته است. بحث تنها بر اثر کمبود نیست، بحث سر کیفیت کالا و مواد نیز هست. بعنوان مثال خیلی از داروها در بازار اصلاً اثر نمی‌کنند. مشکل بزرگ دیگر کمبود مواد اولیه برای بسته‌بندی است. مثلاً سازمان خون از بیمارستانها خواسته در مصرف خون محتاط باشند. نه به خاطر اینکه خون کم است. نه! بلکه کیسه بسته‌بندی خون در کشور پیدا نمی‌شود. رشد اقتصاد ایران از آغاز تحریم‌های اقتصادی حتی منفی ۵٪ بوده است.



قدرت خرید مردم حداقل در نه ماه گذشته ۵۰ درصد نزول کرده است. کارگری که بین ۱.۵ تا ۲ میلیون تومان حقوق ماهیانه دارد باید چه کند؟ تنها هفتصد هزار بی‌خانمان جدید طی نه ماه گذشته در ایران. پول نان و سیب زمینی هم در نمی‌آید. اختلاس‌گری یکی دیگر از معضلات اقتصاد در جمهوری اسلامی ایران است. مدیران و مدیر عاملان همگی دزدند. تحریم‌های و اشنگتن با هر انگیزه‌ای صورت گرفته باشد، دارای پیامدهای بسیار وخیمی برای طبقه کارگر ایران بوده است.

نه جمهوری اسلامی و نه آمریکا قرار نیست این اوضاع را بهبود بخشند، این امر و کار جنبش طبقه کارگر و کمونیسیم کارگری است.

۵ نوامبر ۲۰۲۰

اعلامیه حزب حکمتیست

کارگران بازداشتی هفت تپه آزاد شدند!

'به همکاران در سنگر بگوئید: کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد!'

عصر امروز چهارشنبه ۱۴ آبان، کارگران بازداشتی هفت تپه آزاد شدند. روز پنجشنبه عصر بدنال یک توطئه و شکایت کارفرما و همکاری مسئولین استان، چهار نفر از فعالین کارگری؛ ابراهیم عباسی منجری، یوسف بهمنی، مسعود حیوری و حمید ممبینی در منازل خود بازداشت شدند. قرار وثیقه آزادی این کارگران از روز دوشنبه ۱۲ آبان آماه بود اما با بهانه گیری شش روز این کارگران را عامدانه در زندان نگاه داشتند و نهایتاً امروز موقتا و به قید وثیقه پنجاه میلیون تومانی آزاد شدند.

این دستگیری‌ها هیچ توجیهی نداشت، تماماً متکی بر دروغ و انتقامجویی کارفرما صورت گرفت. ایجاد فضای رعب در مجتمع هفت تپه و پرونده سازی برای فعالین کارگری تازگی ندارد. کارگران هفت تپه همواره خواهان پایان دادن به امنیتی کردن اعتراض و اعتصاب، مخومه و مسدود کردن پرونده های قضائی مفتوح در دادگاههای شوش و اهواز بودند. این اقدامات ضد کارگری همواره با سد اتحاد کارگران روبرو شده و اینبار نیز با اعتراض متحد و مستمر کارگران روبرو شد. کارگران از روز شنبه هر روز در درون شرکت تجمع اعتراضی با هدف آزادی نمایندگانشان برگزار کردند. حضور نیروی انتظامی در درون شرکت نیز نتوانست مانع اجتماع کارگران و فریاد "کارگر زندانی آزاد باید گردد" شود. یوسف بهمنی از زندان به کارگران پیام داد: "در سنگر به همکاران بگوئید: کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد!" سیاست ضد کارگری کارفرما به اهداف خود نرسید بلکه یکبار دیگر همکاری تنگاتنگ مسئولین استان از استاندار تا دادستان و رئیس پلیس امنیت با کارفرمای فاسد و سلطان رشوه را برملا کرد. اینبار نیز کارگران با اتحاد و حضور پرشور خود نشان دادند که برخلاف اظهارات پوچ کارفرما، از نمایندگان شان حمایت می‌کنند. روشن بود که تلاشهای متعدد و مذبحانه شکست خورده در هفت تپه با واکنش متحد کارگران روبرو می‌شود.

آزادی فعالین کارگری با استقبال و شادی همکاران و خانواده های نگران آنها روبرو شد. ما خود را در نگرانی و شادی کارگران هفت تپه و بستگان عزیزشان شریک میدانیم. ما همراه با کارگران این اقدامات سرکوبگرانه، بازداشت و اذیت و آزار، گروکشی و پرونده سازی برای فعالین و نمایندگان کارگران را قویاً محکوم می‌کنیم. زنده باد رزم و اتحاد کارگران هفت تپه!

حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمتیست

۱۴ آبان ۱۳۹۹ - ۴ نوامبر ۲۰۲۰

ممانعت نیروی یگان ویژه از ورود ۱۵ کارگر به شرکت

امروز جمعه یگان ویژه بدستور استاندار از ورود پانزده نفر از فعالین کارگری بدرون شرکت ممانعت کرد. بخش وسیعی از کارگران در مقابل درب جمع شدند و با سردادن شعار به این سیاست اعتراض کردند.

رژیم اسلامی اصلاح ناپذیر است

زنده باد انقلاب کارگری

سعید آرمان



ننگین و جنایتکارانه‌شان باشند.

همه دارند یواشکی از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و انگار نه انگار این بنای مملو از جنایت و فساد را با هم پایهریزی کردند و با هم تحکیم بخشیدند و هزینه آن بالغ بر یکصد هزار اعدام و کشتار در اقصی نقاط ایران مانند کردستان، بندر انزلی، ترکمن صحرا،

سرکوب شوراهای کارگری صنعت نفر و سرکوب دانشگاه‌ها تحت نام انقلاب فرهنگی و کشتار در هزاران زندانی در زندانها و غیره بود.

جناب قدیانی! هیچ میدانید که رژیم اسلامی یک شبه به این هیولای آدمخوار و فاسد تبدیل نشد و مردم را یک شبه به عقب نراند، بلکه آنرا مدیون مجاهدت یکایک شما و سایر اخوی هایتان که سالها قبل از شما متوجه شده‌اند و سایرینی که بعد از شما نیز متوجه خواهند شد. این لیست متأسفانه طویل است، از سازگاراها و گنجی‌های سپاه گرفته تا عبدالکریم سروش و غیره و احزابی که بعدها اعضایشان از جانب همین رژیم به جوخه‌های مرگ سپرده شدند. اما چرا قدیانی و سایرین در این برهه زمانی معین به فکر افتاده‌اند و اینچنین از جمهوری اسلامی و اصلاح ناپذیریش دست شسته‌اند و به کلی قطع امید کرده‌اند؟ آنان از نسلی هستند که با پاشیدن خون به جامعه انقلاب را به زور اسلامی کردند و ضد انقلاب اسلامی را به مردم تشنه آزادی و برابری تحمیل کردند. تاکنون و بعد از گذشت ۴۱ سال هنوز مردم ایران تاوان آنرا پس میدهند و دهها هزار انسان را به کام مرگ فرو بردند، دهها میلیون را به فقر مبتلا کردند، زندگی آنان را تهی از نشاط کردند و با قوانین متعفن اسلامی شان آپارتاید جنسی را بر زنان ایران حاکم کردند.

قدیانی و هم کیشان وی کشتی امیدشان در مضحکه انتخاباتی ۸۸ به گل نشست و تلاش شان برای پس گرفتن رای شان بی ثمر ماند و نتوانستند از این طریق به دوران "طلایی" امامشان برگردند و سرشان به سنگ خورد و مغضوب آموزاده‌هایشان در جنبش فاشیسم اسلامی شدند و کم از اصلاح نظامشان که حتی به میرحسین موسوی جلا ده شصت و شماها هم رحم نکردند، قطع امید کردند. آنچه قدیانی را عمیقاً متوجه اصلاح ناپذیری و سرنگونی قریب الوقوع این رژیم کرده جنبش عظیم اعتراضی آبانماه ۹۸ است که تنفر و انزجار بحق اعماق جامعه را نسبت به حاکمیت اسلامی به وضوح بمیدان آورد و قدرتش را بنمایش گذاشت. آنان خوب میدانند که آنچه در آبان بمیدان آمدند هنوز گوشه‌ای از قدرت ارتش گرسنگان جامعه هستند. خوب میدانند که هنوز غول طبقه کارگر متشکل به کلی و تمام قد ظاهر نشده و بمیدان نیامده تا تکلیف حکومتشان را روشن کند. شاخکهای حسی ابوالفضل قدیانی به خوبی متوجه جنبشی شده که دیر یا زود تکلیف کلیت رژیم اسلامی را روشن میکند. او نمی‌خواهد بیشتر از این تاخیر بکند و سرنوشت خود را به سرنوشت رژیم و رهبرشان گره بزند. برای قدیانی و هم مسلکانش تصمیم فرصت طلبانه ای است، اما برای کارگران و مردم به تنگ آمده مهم ادامه مسیری است که تاکنون طی کرده اما سازمانیافته تر و قدرتمندتر تا سرنگونی نهایی و استقرار جامعه‌ای آزاد و برابر، تا استقرار حکومت شوراها.

زنده باد انقلاب کارگری! *

ابوالفضل قدیانی از اعضای ارشد "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" در مطلبی که جمعه گذشته در سایب کلمه وابسته به میرحسین موسوی به چاپ رسیده است، جمهوری اسلامی را غیرقابل اصلاح دانسته و با درخواست همراهی در "دادخواهی" برای قربانیان اعتراضات آبانماه و بازداشت شدگان آبان که به گفته او ۸۰۰۰ نفر می‌باشند و در زندان زیر شکنجه کشته می‌شوند.

ابوالفضل قدیانی در ادامه حکومت ایران را "نظام فاسد استبدادی ضد مردمی" خوانده که از نظر او با مخالفت اکثریت مردم مواجه است. او گفته حکومت "به زور سرنیزه" پایدار نیست، چرا که "اگر قرار بود حکومت‌های استبدادی ضد مردمی به هر قیمت ممکن تداوم یابند نوبت به حکومت علی‌خامنه‌ای و امثال او نمی‌رسید. قدیانی گفته: "سرنوشت محتوم تمام حکومت‌های استبدادی است که توسط جنبش‌های اعتراضی مردم کنار گذاشته شوند، از جمله نظام استبدادی جمهوری اسلامی در ایران، چون این نظام اصلاح ناپذیر است و هرگز تن به اصلاح نخواهد داد." ابوالفضل قدیانی در پایان و ختم کلام گفته است: "دم از اصلاح نظام زدن جهد بی‌توفیق و آب در هاون کوبیدن است."

آقای قدیانی اگر نره‌ای به حقیقت و انسانیت پبایند بود به احترام کمونیستهایی که از ابتدای قدرتگیری این نظام جهمی به آن "نه" بزرگی گفتند و در مقابلش ایستادند، به احترام به میلیونها انسان در کردستان که نه بزرگی را به جمهوری اسلامی گفتند و هزینه گزافی را برای آن پرداختند، می‌بایست کلاهش را بردارد و سر تعظیم فرود بیاورد که ۴۱ سال در بیان این بدیهیات نه تنها تاخیر کرده بلکه خود بخشی از تحکیم پایه‌های این نظام مستبد بوده است. قدیانی و مجاهدین انقلاب اسلامی پیشکسوت قمه کشتی و حزب الله بازی در ایران و سرکوب مخالفین سیاسی در دوره خمینی بودند. اینها سی خردادی اند و بعدا دو خردادی شدند. جریان موسوم به دوم خرداد قدیانی‌ها از مرداد ۱۳۷۶ تا مرداد ۱۳۸۴ بر مسند قدرت بودند تاکنون چه گلی به سینه مردم زدید و چه تاثیری بر سید کالای مردم فقیر و زحمتکش و طبقه کارگر ایران داشتید؟ یا اینکه در تمامی این مدت به سوپاپ اطمینان رژیم اسلامی بدل شدید و خاک در چشم مردم تشنه آزادی پاشیدید؟! چند هزار انسان از دوره محمد خاتمی تاکنون که شما و امثال شما وعده اصلاحات دادی، به جوخه‌های مرگ سپرده شدند و نان سفره‌هایشان را گرفتید؟ تازه فهمیدید رژیم اصلاح پذیر نیست اما تا جان دارید کنار این حکومت به طرق مختلف می‌ایستید چون هنوز "خودی" هستید.

بازی "کی بود کی بود من نبودم"، آقایان تازه شروع شده و همه دارند کاسه کوزه‌ها را بر سر رهبرشان خراب میکنند که تا دیروز پست سرش با مشت گره کرده شعار میدادند و با ولایتشان بیعت می‌کردند. در این صف جنایتکاران انگار قرار نیست کسی از آنان به صراحت از نقش مخرب خود، از پادویی دهها ساله برای این رژیم و تحکیم پایه‌های این استبداد سیاسی مذهبی و این رژیم‌ها سرمایه‌داری معاصر در خونین ترین سالهای آن در دهه شصت عذرخواهی کنند و پاسخگوی اعمال

دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفٹی با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گردہا، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی
کمونیسٹ

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

زنده باد سوسیالیسم!